پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۸
No.35 Summer 2019
۷۲-۵۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵

نظریه اشاعه فرهنگی و تحول مراسم آیینی و سوگواری در دوره قاجار (با تأکید بر مشهد)

علی روحانی قوچانی: دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحدشبستر (aseman_84r89@yahoo.com)
شهرزاد ساسان پور: استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
حسین آبادیان: استاد گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین (hoabadian@yahoo.com)
منیره کاظمی راشد: استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر (Kazemirashed@yahoo.com)

چکیده

در دوره قاجار تلاش شاهان قاجار برای توجیه و تأیید سلطنت خود به‌واسطه حمایت از فعالیت‌های مذهبی سبب شد تا مراسم‌های آیینی و سوگواری به‌عنوان یکی از پایگاه‌های قدرتمند اجتماعی در فرهنگ‌عامه شناخته شود. باید توجه داشت که مراسم آیینی و سوگواری در این دوره همچون سایر شئون فرهنگی متأثر از اندیشه‌های مدرن دچار تحولاتی شد. درواقع در دوره قاجار مراسم آیینی و سوگواری که نمودی از باورهای مذهبی و انگاره‌های فرهنگ‌عامه بود در عین تداوم دچار تحول شد. این تحولات در چگونگی برگزاری مراسم آیینی و سوگواری در شهر مذهبی مشهد قابل‌ملاحظه است. درکنار تغییر و تحولاتی که در صورت‌بندی این مراسم‌های شکل گرفت، دیدگاه‌های نظری و گفتمان‌های متنوع در مورد این مراسم‌ها به تأسی از اوضاع اجتماعی-سیاسی امکان رشد و بازتولید یافت. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و اتکاء به نظریه اشاعه فرهنگی به بررسی چگونگی تحول در مراسم‌های آیینی و سوگواری شهر مشهد در دوره قاجار می‌پردازد.

واژگان کلیدی: دوره قاجار، خراسان، مشهد، نظریه اشاعه فرهنگی، مراسم آئینی و سوگواری

Abstract

During the Qajar historical period, the Qajar kings' efforts to justify and reaffirm their monarchy by supporting religious activities led to identifying religious rituals and mourning ceremonies as one of the most powerful social bases in popular culture. It should be noted that rituals and mourning ceremonies in this period, like other cultural practices, were influenced by modern thought. In fact, during the Qajar period, rituals and mourning ceremonies, which were a reflection of religious beliefs and popular culture, continued to evolve. These developments are remarkable in the way rituals and mourning ceremonies were held in the religious city of Mashhad. Along with the changes that took place in the formulation of these ceremonies, the various theoretical perspectives and discourses on these ceremonies enabled the socio-political situation to grow and reproduce. The present study uses the descriptive-analytical method and relies on cultural diffusion theory to study the evolution of ritual and mourning ceremonies in Mashhad during the Qajar period

Keywords: Qajar Era. Khorasan, Mashhad. Cultural Diffusion Theory, Rituals and Mourning Ceremonies

*نویسنده مسئول مکاتبات: شهرزاد ساسان پور (۰۹۱۲۷۷۰۶۶۳۱) (sh- sasanpour@ gmail.com)

مقدمه

باوجودآنکه زمینه رشد مناسک و شعائر مذهبی تشیع به دورهٔ آل‌بویه برگردد (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷: ۵۴۹؛ ابن‌خلدون، ۱۹۷۱: ۴۲۵) ولیکن رشد مراسم آیینی در اکثر شهرهای ایران در عصر صفویه اتفاق افتاد (روملو،۱۳۶۹: ۲۴۹؛ منشی، ۱۳۷۷: ۲۴۷/۲). با نگاهی به چگونگی مراسم‌های آیینی و سوگواری در مشهدِ دوره قاجار، یک نوع تحول در برگزاری این مراسم ملاحظه می‌گردد. به‌طورکلی مؤلفه‌های چون نظام آموزشی، سبک معماری شهری، روحانیون اصولی، تجارت و مهاجران در ایجاد تداوم و تحول به وجود آمده، دخیل بودند. به‌عبارت‌دیگر در جستاری بر چگونگی این تحول را می‌توان چنین ارزیابی کرد که مسیرهای ورود تجدد به شهر مشهد، مراسم‌ها آئینی و سوگواری را تحت تأثیر قرار داده و منجر به تحولات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در این مراسم‌های گردید. علاوه بر آنچه گفته شد، یک نوع وام‌گیری فرهنگی از سایر گونه‌های فرهنگیِ مناطق دیگر در شهر مشهد و تطبیق آن با عناصر و مؤلفه‌های درونی و بومی به‌سرعت تحول در مراسم‌های آیینی و سوگواری را دامن می‌زد. در بررسی چگونگی مراسم آیینی و سوگواری در ایران دوره قاجار باید تأثیر دین و معرفت دینی در تحولات فرهنگی را مدنظر قرارداد (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۴۰). به‌عبارت‌دیگر ازآنجایی‌که دین و مذهب یک عامل هویت‌بخش است (ویلهلم، ۱۳۷۷: ۱۷۳؛ دورکیم، ۱۳۸۲: ۳۱)، نباید رهیافت کارکردگرایانه مراسم‌های آیینی و سوگواری به‌عنوان فرهنگ دینی ایران عصر قاجار را از نظر دور گذاشت. در کنار این موضوع باید توجه کرد که دینداریی عوام معمولاً گرایش به التقاط دارد و از اختلاط باورهای عوام و آداب محلی به وجود می‌آید. بنابراین به‌تبع این خصلت، در دینداری عامه نمادهای اساسی دینداری بیشتر متأثر از فرهنگ‌عامه است تا متن دین (هیوم، ۱۳۶۰: ۱۱۸؛ توسلی، ۱۳۸۰: ۳۴). با این توضیح باید گفته شود ایالت خراسان و مشخصاً شهر مشهد به دلیل وجود بارگاه حضرت امام رضا(ع) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های دینداری پیروان اهل‌بیت در دورهٔ قاجار همواره می‌توانست نقش مهم در اشاعه و توسعه مراسم‌های آیینی و سوگواری داشته باشد، درواقع شهر مشهد این ظرفیت را به خراسان داده بود تا نمادها و مصادیق نرم‌افزاری مراسم‌های آیینی و سوگواری این ایالت اغلب موردتوجه حاکمیت سیاسی در مرکز و مردم سایر مردم سایر شهر ایران قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

درباره چگونگی مراسم آیینی و سوگواری ایرانِ دوره قاجار پژوهش‌های چندی صورت گرفته است برای نمونه صادق همایونی در کتاب *تعزیه در ایران* به بررسی چگونگی مراسم تعزیه در دوره قاجار پرداخته و آن را به‌عنوان مراسمی آیینی موردتوجه قرار داده است و یا عنایت‌الله شهیدی در *پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجاریه* به زوایای برگزاری مراسم سوگواری دوره قاجار پرداخته است. حسین معتمدی در کتابی با عنوان *عزاداری سنتی شیعیان در ایران و جهان*، جمشید ملک‌پور در اثری ذیل عنوان *سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی، (تعزیه)* و سمیه عباسی در مقاله‌ای با عنوان *بررسی سیر تطور مراسم سوگواری شیعه در عصر قاجار با تکیه‌بر سفرنامه‌های غربی* به بررسی برخی از نمادهای مراسم آیینی و سوگواری در دوره قاجار پرداخته‌اند. به‌طورکلی آثار و تحقیقاتی که تاکنون نگاشته شده‌اند، بیشتر به‌کلیات توجه داشته و نگاه تخصصی به چگونگی تحول در مصادیق و نمادهای مراسم آیینی و سوگوار شهر مشهد در دوره قاجار نداشته‌اند و این موضوع را در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی موردتوجه قرار نداده‌اند و موضوع فوق تاکنون به‌صورت پژوهشی مستقل موردتوجه محققان قرار نگرفته است. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر بر آن است ضمن توجه به دستاوردهای پژوهشگران گذشته، چگونگی تحول در مصادیق و نمادهای مراسم آیینی و سوگواری شهر مشهد در دوره قاجار را در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی مورد بررسی قرار دهد

مبانی نظری اشاعه (پخش)

هاگر استرند[1] جغرافی‌دان سوئدی (۱۹۵۳م) نخستین بار نظریه پخش و اشاعه را مطرح کرد.[2] هرچند این نظریه در آغاز

1. Hager strand

۲. هاگر استرند و همکارانش با به کار گرفتن این نظریه در تحلیل گسترش نوآوری پدیده‌های کشاورزی و چگونگی گسترش سل گاوی در سال‌های مختلف به یافته‌های ارزشمندی دست یافتند

برای تحلیل پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها مطرح گردید (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۱)، اما به‌تدریج، کاربرد آن به عرصه‌های فرهنگی نیز تسری یافت. درواقع این نظریه به دنبال تبیین و توضیح علت اشاعه یک پدیده، نحوه گسترش، مسیرها و مجاری پخش آن، علل توقف آن، علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر است (Haggett,1983: 303). درواقع بر اساس نظریه اشاعه یک امر فرهنگی که شاخص یک جامعه است، در جامعه دیگری پذیرفته می‌شود. اشاعه را عموماً در مهاجرت‌های جمعیت‌ها که حاصل تماس‌های مداوم و زیاد جوامع همسایه است تشخیص می‌دهند (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۱۳). یکی از مفاهیم مرتبط با نظریه پخش، پخش فضایی است (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۰۱) و آن فرآیندی است که طی آن نگرش و رفتار مردم تغییر می‌یابد. پخش فضایی عبارت است از گسترش یک پدیده از کانون یا کانون‌های اصلی خود در بین مردمی که آماده پذیرش آن پدیده‌اند.[1] این پدیده ممکن است یک شیوه رفتار، عقاید خاص سیاسی، اجتماعی یا یک امر مادی نظیر رواج مد لباس و یک نوع کالای ویژه یا ابزارآلات باشد. بسیاری از قالب‌های سوگواری مانند تعزیه (شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۲) یا ابزاری مانند سقایی (پولاک، ۱۳۵۲: ۲۹۱؛ اسیناقچی، ۱۳۷۹ :۲۷۲)، مشک و تبرزین، علم‌ها و جریده‌ها (عابدینی، ۱۳۷۴: ۳۹۷، ۲۶۳، ۲۳۲، ۲۲۵)، قمه‌زنی (آقاجانی، ۱۳۸۴: ۹۷) و توغ (کاشفی-سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۹۱-۲۸۶؛ نفیسی، ۱۳۴۶: ۱۴۶) نیز مطابق بر نظریه پخش فضایی در خراسان یا از خراسان به اقصی نقاط دیگر کشور اشاعه می‌یافتند. درواقع ایالت خراسان و مشخصاً شهر مشهد به دلایل مذهبی، تجاری و سیاسی بسیار مسافرخیز بوده و در خلال هم‌جواری این مسافران و برخورد فرهنگ‌ها بدیهی است که پخش یا وام‌گیری فرهنگی با این گستردگی در آن منطقه رخ می‌داد.

گری پی فرارو[2] از جریان اشاعه فرهنگی[3] به‌عنوان وام‌گیری فرهنگی در تغییر فرهنگ‌ها یاد می‌کند. درواقع ازنظر وی وام‌گیری فرهنگ‌ها، رسوم، آداب، اختراعات و اکتشافات دیگران بسیار آسان‌تر از کشف یا اختراع آن است (فرارو، ۱۳۷۹ :۵۲). باید توجه داشت که وام‌گیری فرهنگی امری گزینشی است لذا هنگام برخورد دو فرهنگ بعد از اثبات سودمندی و سازگاری، عناصر و اجزائی خاص به عاریت گرفته می‌شود. درواقع سرعت پذیرش یک امر فرهنگی می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای چون سهولت در شناخت، قابلیت آزمون‌پذیری تجربی و قابلیت مشاهده آن برای تعداد نسبتاً زیادی از مردم قرار بگیرد. باید توجه داشت که از یک‌سو وام‌گیری فرهنگی جریانی دوطرفه است چنین نیست که صرفاً جوامع متمدن بر جوامع ابتدایی تأثیرگذارند. از سوی دیگر اقلام وام گرفته‌شده اغلب پس از ورود به فرهنگ جامعه مقصد دست‌کاری می‌شود و دیگر مانند شکل اولیه نیست.

انواع پخش

بر اساس دیدگاه هاگر استرند سه نوع پخش جابجایی، سلسله‌مراتبی و سرایتی را به شرح زیر از هم متمایز می‌سازد:

پخش جابجایی: یعنی فرآیند انتقال نوآوری‌ها یا عناصر فرهنگی که این فرآیند از راه جابجایی فیزیکی فرد یا گروهی که حامل اندیشه‌ای هستند رخ می‌دهد. (جردن،۱۳۸۰ : ۱۶۲) به‌عبارت‌دیگر پخش جابجایی، زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده خاص، از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. درواقع مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی یا پخش جابجایی اشاعه یافته‌اند.

پخش سلسله‌مراتبی: در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل می‌شوند و گسترش می‌یابند. ایده‌ها از یک «فرد مهم» به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مراکز دیگر گسترش می‌یابد؛ بنابراین فرآیند پخش و پذیرش عقاید و ایدئولوژی‌ها از پایتخت به ترتیب به شهرهای بزرگ، میانی، کوچک و روستا انجام می‌گردد. درواقع این پخش فرآیندی است که از مراکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود (Haggett، 1983: 305) برای نمونه در صدر

۱. در پخش فضایی باید دو موضوع وجود پدیده یا پدیده‌ها و امر گسترش حرکت پدیده از خاستگاه اصلی خود را توان از یکدیگر متمایز ساخت.

2. Gary p.Ferraro

3. Cultural diffusion

اسلام، با اسلام آوردن رئیس قبیله، کل افراد نیز تغییر دیانت می‌دادند (زرگری نژاد، ۱۳۷۸ : ۳۱۶). به‌علاوه این نوع از پخش می‌تواند از طریق شخصی مهم و تأثیرگذار به منطقه‌ای دیگر منتقل گردد.[۱]

پخش سرایتی یا واگیردار: این پخش در مقابل پخش سلسله‌مراتبی قرار دارد که در آن گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد، مانند اشاعه بیماری‌های مسری که با تماس مستقیم منتشر می‌شود. بیماری‌های واگیردار مانند سرخک، از یک شخصی به شخص دیگر منتشر می‌شود. این فرآیند به‌شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد، بنابراین افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دوردست، بیشتر در معرض این نوع پخش قرار می‌گیرند (Haggett, 1983:305). در این میان بیماری نیز با اشاعه فرهنگی وارد خراسان می‌شود.[۲]

عناصر نظریه اشاعه

همان‌گونه که پیشتر گفته شد در نظریه اشاعه یک امر فرهنگی مهم در یک جامعه در جامعه دیگری پذیرفته می‌شود. اشاعه را عموماً در مهاجرت‌های جمعیت‌ها که حاصل تماس‌های مداوم و زیاد جوامع همسایه است تشخیص می‌دهند. هاگر استرند شش عنصر عمده در این نظریه را بدین ترتیب بیان می‌کند:

حوزه یا محیط جغرافیایی: این محیط می‌تواند محیط پذیرا /همگرا یا محیط ناپذیرا / واگرا باشد.

زمان: دومین عنصر که به‌صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته می‌شود زمان است.

موضوع پخش: موضوع پخش بسیار متنوع است مانند موضوعات فرهنگی، فیزیکی.

مبدأ پخش: مکان‌هایی است که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیام‌ها، ارزش‌ها و نوآوری‌هاست.

مقصد پخش: مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به این مکان‌ها می‌رسد.

مسیر حرکت پدیده‌ها: مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد است. فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی، اقتصادی مسئله مهم در ارتباط پدیده‌هاست (شکویی، ۱۳۷۷: ۳۰۵).

نباید ازنظر دور داشت که در کنار مؤلفه‌های گفته شد سرعت انتشار و عوامل مؤثر بر آن مانند دخالت حکومت و دولت در آن، از موضوعات دیگری است که می‌تواند در فرآیند پخش موردمطالعه قرار گیرد. درواقع موقعیت خاص یک منطقه به‌سرعت آن کمک می‌کند[۳] موانع، مرزها و امواج رقیب نیز موضوع دیگری است که در بررسی پخش نوآوری مهم است.

عوامل کاهش‌دهنده پخش

در کنار عواملی در تشدیدکننده مؤلفه‌های بازدارنده‌ای وجود می‌تواند در کند کردن اشاعه فرهنگی مؤثر باشد این عوامل را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد

مسافت: اگر سنگی را به درون استخری بیندازیم و پخش امواج آن را نظاره کنیم، خواهیم دید که دوایر با دور شدن از نقطه اثر به‌تدریج ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند. به همین قیاس، میزان پذیرش نوآوری‌های فرهنگی نیز با افزایش مسافت کاهش می‌یابد. ابداعات به‌طور عمیق‌تر و نافذتری در نزدیک‌ترین نقطه به مبدأ پذیرفته خواهند شد و با دور شدن از آن کاهش می‌یابند.

گذشت زمان: گذشت زمان نیز در این راستا عامل مهمی تلقی می‌شود؛ زیرا انتشار و پخش نوآوری به نقطه دورتر

---

۱. چنانچه قول برخی از نویسندگان را ناظر بر نقش محوری آخوند ملا آقا بن عابد شیروانی در رواج قمه‌زنی در آن روزگار همراه با خود از آذربایجان به تهران پذیرفته شود (صحتی‌سردرودی، ۱۳۸۳:۲۰۸؛ حیدری، ۱۳۸۱: ٤٦٩؛ رهبری، ۱۳۸۵: ۲۷٤) می‌توانیم این نظریه را با موضوع مطرح‌شده انطباق دهیم.

۲. وبایی که حدود چهار ماه پس از لغو امتیاز جنبش تنباکو (۱۳۰۹ق) از سمت بخارا به خراسان وارد شد و سراسر آن را درنوردید (ناطق، ۱۳۵۷ : ۲۳۹).

۳. شهر تجاری خراسان، مشهد بود که موقعیتش را مرهون سه عامل به هم وابسته ورود سالانه هزاران زوار، جمعیت قابل‌توجه خود شهر و نیز جایگاهش به‌عنوان بارانداز کالاهای وارداتی از مسیر خلیج‌فارس، افغانستان، تهران، شمال خراسان، استرآباد و ماوراالنهر بود (دانشیار، ۱۳۹٤ :۵۷).

مستلزم صرف زمان بیشتری است، نظر به اینکه تعداد پذیرندگان با افزایش مسافت کاهش می‌یابد. بنابراین میزان پذیرش نیز با افزایش زمان کاهش می‌یابد. این همان مقوله‌ای است که جغرافی‌دانان از آن به‌عنوان کاهش زمان مسافت یادکرده‌اند (جردن، ۱۳۸۰: ۱۶). هرچه از زمان وقوع حادثه و نوآوری فاصله بگیریم یا هر چه از مکان وقوع نوآوری دور شویم، از قدرت تسری و تأثیرگذاری آن کاهش می‌یابد.

موانع تراوش: علاوه بر ضعف و کاهش طبیعی انتشار ابداعات و نوآوری‌ها به دلیل افزایش زمان / مسافت، سدها و موانع نیز موجب توقف یا کند شدن روند پخش نوآوری می‌شوند یا پیشرفت‌های بعدی را متوقف می‌سازند (شکویی، ۱۳۷۷: ۲۲۱). در اغلب موارد مرزها نفوذپذیرند، بدین معنی که اجازه پخش برخی امواج ابداعات و نوآوری‌ها را می‌دهند، لکن در جهت تضعیف و توقف آن نیز می‌کوشند موانع به شکل‌های گوناگون مانند تحریم‌های اجتماعی، دولتی یا طبیعی وجود دارد.

نظریه اشاعه فرهنگی و تحول مراسم آیینی و سوگواری در شهر مشهد

قبل از آنکه به نقش اشاعه فرهنگی در تحولات شهر مشهد در دوره قاجار پرداخته شود لازم است مبانی نظریه اشاعه در ایالت شهر مشهد مورد بررسی قرار گیرد.

پخش جابجایی: از منظر انواع اشاعه، سفر زائران و مسافران نمونه‌ای از پخش جابه‌جایی مؤثر در مراسم‌های دوره قاجار است فریه[1] سیاح فرانسوی (۱۲۶۰ق/ ۱۸۴۵م) معتقد بود سی هزار زائر همیشه در شهر مشهد حضورداشته‌اند (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۴۱). کرزن می‌نویسد سالانه صد هزار زائر به مشهد می‌رود که همیشه پنج تا هشت هزار نفر زائر در آنجا مقیم هستند (کرزن، ۱۳۴۷: ۳۸). فرض بر این است که بسیاری از این زائران یا تجار با سفر به مشهد و یا حتی بازگشت به شهر خودشان به‌گونه‌ای سرایتی یا حتی سلسله‌مراتبی عامل پخش ایده‌ها، مدل‌ها، رفتارها و فرهنگ مراسم آیینی و سوگواری می‌شدند که این امر به تداوم آن کمک می‌کرد. علاوه بر این پخش جابه‌جایی در مورد کشورهایی نظیر عراق و افغانستان به گونه خاصی بوده است. مثلاً در حوادث جدایی هرات از خراسان عده زیادی افغانی به ایران مهاجرات کردند و در خراسان ساکن شدند. (کرمانی، ۱۳۷۶: ۲/ ۳۳۴) اقامت طولانی‌مدت آنان موجب این امر شد. به‌طور طبیعی آنان حین رفت‌وآمد میان دو کشور ایران و افغانستان حامل این آداب بودند. این وضعیت در مورد مهاجران دیگر هم صادق است. یعنی آن‌ها نیز از راه جابه‌جایی به پخش این مراسم‌ها پرداخته‌اند. در میان این خیل جمعیت تیره‌ها و لهجه‌های گوناگون در هر زمان دیده می‌شود که می‌توان ازبک، افغان، ترک، ترکمن، بلوچ، کرد و عرب را ازجمله ایشان دانست (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ : ۳۲).

درمجموع مشهد عصر قاجار، مقصد مهاجران زیادی از مناطق مختلف ایران و سرزمین‌های هم‌جوار همچون آسیای مرکزی، افغانستان، شبه قارهٔ هند و قفقاز بود. این گروه‌ها که به انگیزه‌های مختلفی وارد این شهر شده بودند (ساکماق: ۱۵۴۰۴/۵؛ ۲۰۷۱؛ ۲۳۸۷۱/۴۵؛ ۲۳۷۹۱/۶۳؛ ۲۳۷۹۱/۷۵؛ ۱۱۷۶۷؛ ۲۳۷۹۸/۲۹)، به اشکال گوناگون بر وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن تأثیرگذار شدند. بسیاری از آن‌ها نیز، با گذشت چند نسل عملاً به شهروندان اصلی مشهد تبدیل گردیدند و بازماندگان آن‌ها باشهرت‌های اولیهٔ خود (بخارائی، هروی، بادکوبه‌ای و غیره) به زندگی در این شهر ادامه دادند. وامبری در راه سفر به ایران می‌نویسد: «۱۹ آبان ۱۳۴۲ش هرات را در معیت کاروان بزرگی که به مشهد می‌رفت ترک کردم. کاروان شامل ده هزار نفر می‌شد که نیمی از آن هزاره‌های کابل بودند که با کس و کار خود، در عین فقر و مسکنت به زیارت مرقد امام شیعیان می‌رفتند» (وامبری، ۱۳۶۷: ۲۶۲). ابعاد این مهاجرت تا آنجا گسترش یافت که تعداد مهاجران روسیه از شهرهای دربند، شکی، شیروان، قره‌باغ، ایروان، اردوباد و باکو در مشهد تا زمان جنگ جهانی اول به حدود پنج هزار نفر رسید (قطبی، ۱۳۷۰: ۱۴۲). انقلاب بلشویکی در روسیه نیز تأثیر زیادی بر افزایش مهاجرت بخارایی‌ها به مشهد داشت و بسیاری از کسانی که اموال خود را از دست داده بودند، به مشهد کوچ کردند و در

1. Feriye

محله نوغان مشهد، کوچه بخارایی‌ها را تشکیل دادند. (نجف‌زاده، ۱۳۸۹ :۱۲۲).

از دست دادن شهرهای هرات و مرو و میهنه در زمان قاجار، سبب کوچ گروهی از مردم ایرانی‌تبار و شیعه‌مذهب شهرهای مزبور به مشهد شد که بر تنوع قومی فرهنگی و جمعیت این شهر افزود. هر یک از این گروه‌های مهاجر در محله‌ای ویژه ساکن می‌شدند، ازجمله در سال ۱۲۲۳ق پس از بیرون رفتن مرو از دست حکام ایرانی، هزار خانواده مروی به مشهد آمدند که تاکنون در مشهد و اطراف آن دارای تکیه و محله و مسجد می‌باشند (سیدی، ۱۳۷۸: ۱۲). علاوه بر این از خلال منابع متعلق به عصر قاجار انواع قومیت‌های حاضر در ایالت خراسان به‌خوبی آشکار است. ساکنان نیمه جنوبی خراسان، افزون بر فارس زبانان، متشکل از طوایف عرب و بلوچی بود که عمدتاً عشایر بودند و به فارسی تکلم می‌کردند. دایره پراکندگی اعراب در خراسان بیش از این بود، زیرا حداقل مشخص است که در غرب ولایت بجنورد نیز حدود ۱۵۰ خانوار عرب سکونت داشتند (دانشیار، ۱۳۹۴: ۴۷). در گزارش‌های مربوط به آمار دفن شده‌ها در امارت‌ها و صحن‌های حرم رضوی به هویت برخی از زوار خارجی اشاره شده است. ازجمله اجساد زائرانی از جماعت اعراب عراق و بحرین در سال ۱۲۵۷ ه.ق به بعد در زمره دفن شده‌ها در این مکان مقدس بوده است (ساکماق: ۱۱۷۶۷؛ ۱۱۷۶۹؛ ۲۳۳۸۲) تعداد مسافرین و زوار عرب به حدی بود که برخی از واقفان در مشهد موقوفه‌هایی را برای مصارف زوار عرب اختصاص داده‌اند. (ساکماق: ۴۳۱۰۱)

در شرق خراسان نیز، در کنار جمعیت بومی، ایلات کوچ‌نشین سکونت داشتند. در ناحیه سرخس عشایر ترکمن، در جنوب آن تا تربت‌جام طوایف غالباً کوچ‌نشین جمشیدی، در تربت‌جام، باخرز و خواف طوایف تیموری، در مناطق تربت‌جام و به‌ویژه باخرز، هزاره تا ییلاق و قشلاق داشتند. طبق گزارش‌های عصر قاجار، جمشیدی تا دوازده هزار خانوار، تیموری تا بیست هزار خانوار و هزاره تا چهار هزار خانوار بودند (۱۲۳۷ق). روستائیان ولایات شمالی قوچان و بجنورد عمدتاً فارس و ترک و کرد و غالب عشایر آنجا کردزبان بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۱۱۸۶/۲). درواقع ولایت درگز غالب ساکنان کردزبان، ساکنان کلات را نیز غالباً ترکان جلایری و کردان اردلان تشکیل می‌دادند. افزون بر این ولایت نیشابور قبایل ترک بیات و در بخش جوین از توابع ولایت سبزوار، ترکان قلیچی سکونت داشتند (دانشیار، ۱۳۹۴: ۴۸). باید توجه داشت که به دلیل خصیصه مذهبی و تجاری بودن شهر در میان این خیل جمعیت تیره‌ها و لهجه‌های گوناگون در هر زمان دیده می‌شود که می‌توان ازبک، افغان، ترک، ترکمن، بلوچ، کرد و عرب را ازجمله ایشان دانست. در نیمه دوم قرن ۱۹م یهودیان نیز جمعیتی را به خود اختصاص داده بودند و در محله‌ای به همین نام در شهر مشهد یعنی محله یهودی‌ها زندگی می‌کردند که کار آن‌ها کهنه فروشی بوده است. تعدادی ارمنی نیز در شهر مشهد سکونت داشتند که از اهالی شکارپور، قندهار و مولتان و از تاجران خرده‌پا بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۳۲). این امر تنوع دینی شهر مشهد را هم نشان می‌دهد.

پخش سلسله‌مراتبی: در این زمینه گونه‌ای از پخش سلسله‌مراتبی مراسم‌های آئینی و سوگواری را می‌توان در خراسان و تأثیرگذاری بر تهران و از تهران به‌عنوان مدخل شهرهای ایران به دیگر شهرها مشاهده کرد. پخش سلسله‌مراتبی را نیز می‌توان در عنصر «پیشاهنگ» تا برجسته کرد. به تعبیر دیگر، در اشاعه، پیوسته برخی از نواحی نسبت به نواحی دیگر حالت پیشاهنگی یا قافله‌سالاری دارند، یعنی بر سایر مکان‌ها تقدم دارند. نظریه‌پردازان اشاعه و پخش، از آن نواحی که در انتشار فضایی، جلوتر از سایر نواحی عمل می‌کنند، برای پیش‌بینی پخش در زمان‌ها و مکان‌های بعدی استفاده می‌کنند. کشورهای پیشاهنگ در اشاعه مراسم‌های آئینی و سوگواری عبارت‌اند از: ۱. عراق و لبنان در جهان عرب، ۲. افغانستان در آسیای مرکزی، ۳. پاکستان در شبه‌قاره هند و آسیای جنوب شرقی، ۴. عثمانی در قفقاز و بالکان و به تعبیری اروپا. به‌طورکلی در زمینه پاک‌سازی مجالس عزا و آیین‌های سوگواری مانند تقبیح برخی از مراسم‌های سوگواری اصلاحات از دیگر بلاد شیعه، ازجمله لبنان و سوریه آغاز شد و بافاصله‌ای، دامنه‌اش به عراق و ایران هم رسید (امین، ۱۳۷۱: ۴۱). باید توجه داشت که شهرهای داخلی ایران که پیشاهنگ موضوع مزبورند شامل مشهد، تهران و تبریز بودند، البته قومیت‌های پیشاهنگ نیز در این زمینه مطرح می‌باشند. برای نمونه اگر بپذیریم که دین

اسلام به میزان زیادی از طریق سرزمین ایران به بسیاری از مناطق شبه‌قاره هند وارد شد، خصوصاً مقطعی که صفویان در ایران و بابریان در شمال هند حکمرانی داشتند و درنتیجه شمار زیادی از ایرانیان به هند مهاجرت کردند و حتی در حکومت برخی مناطق این سرزمین مانند کشمیر مشارکت داشتند (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۵۲؛ نوروزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸) باید گفت که مذهب تشیع تقریباً تماماً از طریق ایران و به‌وسیله ایرانیان و خراسان به‌عنوان دروازه ورودی به سرزمین هند واردشده و در آنجا انتشار یافته است (رزم‌آرا، ۱۳۲۹: ۹۵۰). با توجه به این موضوع و پیوند نسبتاً مستمر و ارتباطات دیرین تمدنی و فرهنگی و بازرگانی بین شیعیان دو کشور همسایه ایران و هند و وجود تشابهات زیاد در مراسم آیینی شیعیان مستقر در این دو سرزمین، نگاه به چگونگی و شیوهٔ حمل جنازه از ایران به عتبات، از حیث فهم بیشتر کلیت موضوع و چگونگی انجام آن در میان شیعیان پراکنده در مناطق مختلف شبه قارهٔ هند اهمیت دارد. از دلایل احتمالی تصمیم بعضی از شیعیان مقیم هند برای تدفین مردگان خود در مشهد، باید به نکته‌هایی مانند علاقه قلبی شیعیان به مجاورت با امام رضا(ع) همسایگی قلمرو ایران قاجاری با هند، فاصله نزدیک‌تر مشهد به مرزهای غربی هند در مقایسه با کربلا و نجف و مشکل کمتر در امر فساد جنازه تا، کاستن از هزینه‌های سفر و حمل جنازه و اختلاف کمتر بین شیعیان و سنیان هند و ایران، اشاره کرد. (نوروزی، ۱۳۹۶ :۷۰-۹۹) همه این دلایل در اشاعه نقشی اساسی دارند. درواقع بر اساس نگاه سیاحان غربی موقعیت استراتژیک خراسان در بین ایالات ایران و خصوصاً در منطقه بر پخش سلسله‌مراتبی مراسم‌های آیینی بسیار تأثیرگذار است (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۰۸. فلاندن، ۱۳۲۴: ۳۲۶). تأثیر بسیار بالای فرهنگی، دینی خراسان خصوصاً مشهد به دلیل وجود مرقد امام هشتم شیعیان و دیگر دلایل ژئوکونومیکی، پولوتیکی، در این راستا بیشترین اهمیت را دارد.

ج) پخش سرایتی یا واگیردار: در زمینه انواع پخش و اشاعه می‌توان چنین نتیجه گرفت که دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی در خراسان و مشهد دارای سرعت انتشار بالایی‌اند که در آن‌ها این افکار، اندیشه ها و مفاهیم‌اند که از سرزمین میزبان به سرزمین میهمان (جدید) منتقل می‌شوند و چون انتقال فیزیکی نیست سرعت انتشار آن‌ها زیاد است. درواقع هر دو پخش، انبساطی تلقی شده‌اند (جردن، ۱۳۸۰: ۱۶۰). گسترش انبساطی نوآوری در یک ناحیه به شکل گلوله برفی به نحوی است که تعداد آگاهان به آن نوآوری پیوسته افزایش می‌یابد و به همین ترتیب ناحیه تحت پوشش نیز بزرگ می‌شود. درحالی‌که در پخش جابه‌جایی، حاملان نوآوری یعنی مهاجران، مبلغان، تاجران و دانشجویان از طریق تماس فردی، نوآوری را بسط و توسعه می‌دهند و چون این جابه‌جایی نیازمند حرکت فیزیکی است، سرعت انتشار آن کند است. به نظر می‌رسد بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله‌مراتبی است؛ زیرا با پذیرش نوآوری از سوی فرد مهم، پدیده به‌سرعت به‌کل قاعده منتقل می‌شود.

عناصر اشاعه در خراسان و مشهد

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد در خراسان عصر قاجار عناصر فرهنگی و ابداعات بنا به دلایلی به‌سرعت میان نواحی، روستاها، شهرها، کشورها، قاره تا و تمدن تا اشاعه می‌یابد در اینجا به عناصر تأثیرگذار اشاعه فرهنگی در تحول مراسم‌های آیینی پرداخته می‌شود.

مبدأ پخش: با وقوع حادثه عاشورا مراسم‌های آیینی اسلام وارد مرحله جدیدی شد و جهان اسلام و منطقه خاورمیانه تحت تأثیر عظمت این رخداد و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفتند. این امر در عصر قاجاریان در ایران شیعی‌مذهب جایگاه ویژه‌ای داشت. ابداعات و روند فرهنگی، اجتماعی این مراسم‌ها همچون هر نوآوری دیگر به‌شدت برای مسلمانان جذاب و شگفت‌انگیز بود. بنابراین کشور شیعی عراق و در مرحله بعد عربستان به دلیل خاستگاه اولیه آن واقعه، کانون پخش و تراوش در منطقه شد، ولی بنا به سختگیری حکومت‌های حاکم برجهان اسلام این کانون به‌خصوص از عصر صفویان به ایران منتقل گردید که در دوره قاجاریان به اوج خود رسید. یک بررسی مقایسه‌ای بین موزاییک فرهنگی منطقه قبل و بعد از دوره قاجار به‌خوبی نشان‌دهنده تغییرات در بافت موزاییک منطقه‌ای خاورمیانه است. همچنانکه به گفته جان فوران جامعه ایران دارای یک ساخت پیچیده است (فوران، ۱۳۷۷: ۲۰). آبراهامیان نیز آورده است که «ساختار قومی ایران به موزاییک پیچیده‌ای شبیه بود که در آن هر تکه‌ای شکل، اندازه و رنگ متفاوتی

داشت. اگر عبارت واحدی بتواند این وضع را توصیف کند بی‌تردید تنوع گروهی است؛ زیرا در میان دهقانان، عشایر و شهریان تنوع عظیم شیوه زیست وجود داشت. باورهای مذهبی متنوعی دیده می‌شد علاوه بر این، در زبان‌ها و گویش تا به‌ویژه بین فارس، آذری ترکمن، کرد، گیلک، بلوچ و مازندرانی نیز تنوع داشت» (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۱۷). مسلماً این تنوع قومی، نژادی، زبانی و ایدئولوژیکی در خراسان آن روز تأثیرات شگرفی بر جای گذاشت. بنابراین مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی و یا واکنشی غیرارادی از سوی مردم منطقه به وجود آمد، این تأثیرات نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به سوگواری و مراسم‌های آیینی نداشتند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند هرچند هم آیین و هم‌وطن نبودند. این امر در گزارش‌های برخی سفرنامه نویسان به‌خوبی مشهود است. برای نمونه وامبری که در اواخر دوره قاجار با لباس مبدل درویشی وارد حرم رضوی شده است و با اشاره به احساسات، خلوص و دل‌شکستگی عمیق زائران می‌نویسد: «همگی مشتاق به نظر می‌رسند و می‌خواهند به‌واسطه انجام اعمال و خواندن دعا [...] رحمت و شادی خداوند را برای خویش فراهم کنند. به نظر می‌رسد یک حس جذبه کامل‌العیار در چنان لحظه‌ای تمام نژادها و طبقات ارباب تاج و نوکر اعم از ساکنان محتاط آسیای میانه، مردان زیرک اصفهانی یا شیرازی، ترک‌های ساده‌دل و یا بختیاری ها و کردهاای ستیزه‌جو را در برمی‌گیرد. در انجام اعمال مذهبی هیچ‌کس در مقامی بسیار بالا و یا بسیار پایین قرار نمی‌گیرد، پسران خان، میرزاها و کشاورزان فقیر آزادانه در هم می‌لولند [...] زائر، بارگاه را باحالت خشوع فراوان و عقب عقب رفتن ترک می‌کند» (وامبری، ۱۳۶۷: ۲۷۴) که این موضوع ناشی از قدرت تأثیرگذاری مراسم‌های مزبور بود.

علاوه بر این عصر قاجار با گذر زمان و تراکم و اشباع کاروان‌ها در خراسان و مشهد، به‌تدریج این پخش و اشاعه از تک مرکزی به چندمرکزی تغییر وضعیت داد. به همین دلیل تا حدودی از اهمیت کانون اولیه پخش کاسته شد. مراکز ثانویه پخش با اخذ مدل‌های گوناگون این مراسم‌ها و هماهنگ کردن آن با ارزش‌ها و سنن خویش به برمی‌کردن پیام‌های آن پرداختند. به تعبیر دیگر، به‌نوعی به تغییر در ماهیت مفهوم اصیل و اولیه مراسم آیینی و سوگواری به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه دست می‌زنند. بنابراین مشاهده می‌شود که به تعبیری چگونه پیام مرتبط به کشوری عربی یا حتی مدل اروپایی یا قومیتی در شکل قالبی به فارسی و محلی ترجمه می‌شود. به‌طور نمونه یکی از مراسم‌های آیینی دوره قاجار سقایی است که بر اساس آن در ایام عزاداری، فرد لباس سقایی می‌پوشد و مشک آبی به دوش می‌افکند و جام یا کشکولی[۱] (معتمدی، ۱۳۷۸: ۵۹۹) را در دست می‌گیرد و در مسیر عزاداری، تشنگان را سیراب می‌کند و در ضمن آن مصائب اهل‌بیت به‌ویژه تشنگی امام حسین(ع) و خاندان و اصحابش را می‌خوانند (همان: ۴۱۷).

اولین سندی که حاکی از ارتباط سقایت اهل فتوت یا آیین سقایی عاشوراست، کتاب فتوت نامه سلطانی نوشته ملا حسین واعظ کاشفی است (کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۸۲). اسناد زیادی نشان می‌دهد که سنت سقایی به‌عنوان یکی از رسوم جوانمردان و قلندران (همان درویشان)، در طول سده‌های مختلف از جنبه‌های گوناگون با اشاعه به نقاط مختلف دستخوش تغییراتی شده است. برای نمونه در تذکره‌های صوفیه، نام سقا برای برخی از مشایخ متقدم به چشم می‌خورد. علی بن شعیب سقا و ابوبکر سقا ازجمله نام‌های بزرگان تصوف است که با سقایت ارتباط داشته‌اند (جامی، ۱۳۷۵: ۱۹۱، ۱۰۸، ۳۳). همچنین به صوفیان نامداری برمی‌خوریم که به سقایت اشتغال داشته‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۳۲۱؛ افشاری، ۱۳۸۱: ۲۹۰). درواقع سقایی، طبق اسناد آستان قدس از عهد صفوی و خصوصاً قاجار تبدیل به شغل شده (ساکماق: ۲۸۵۰۶) و حتی وظایف دیگری هم به آن اضافه گردیده است.(ساکماق: ۱۲۲۴۱؛ ۱۲۵۱۷؛ ۲۸۵۰۶). علاوه بر این نبایستی تأثیر بازارهای فراوان مشهد را در این قسمت نادیده انگاشت. اکثر سیاحان حتی کسانی چون ریچاردز که در اواخر عهد قاجار از مشهد دیدن کرده (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۰۱) همگی در یک نکته با یکدیگر

۱. کشکول علامت و نشانه‌ای از مشک آب و سقایی حضرت‌عباس (ع) است.

مشابهت گفتار دارند و آن آبادی بازارهای مشهد است. هرچند بازارهای مشهد به لحاظ معماری به زیبایی بازارهای شیراز و اصفهان نبوده اما به دلیل وجود افراد و نژادها و تجار گوناگون با ملیت‌های مختلف به نظر آنان بسیار جالب و شگفت‌آور آمده است. نکته حائز اهمیت دیگر در این خصوص آن است که نقش موقعیت استراتژیک کشور مبدأ درشدت پخش آن بسیار مهم است لذا در محور مبدأ پخش باید به شرح موقعیت تأثیرگذار ایران به‌طور عام و خراسان و مشهد به‌طور خاص پرداخت.

فراتر از پخش غیرارادی و خود به خودی یا بازتابی، دولت قاجار نیز نه‌تنها مانعی برای اشاعه مراسم‌ها و سوگواری ایجاد نکرده است، بلکه با اتخاذ سیاست‌هایی امکان انتقال همراه با سهولت بیشتر آن را فراهم ساخته است و تسهیلاتی را برای آن خواسته یا ناخواسته فراهم کرد. در این راستا گردانندگان حکومت، نه‌تنها تعزیه‌خوانی‌های عمومی را تشویق و حمایت می‌کردند، بلکه خود به برگزاری این مراسم‌ها می‌پرداختند و تکایا و محل‌های معین و حتی خانه‌های شخصی خود را به این کار اختصاص می‌دادند (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۰۶) حتی سفرای خارجی نیز به نمایش تعزیه آورده می‌شوند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۸۶). آصف الدوله والی خراسان نیز با تنظیم اوضاع مشوش موقوفات، درآمد و هزینه‌های آستان قدس و مدارس مختلف شهر مشهد، محل خرج و میزان آن‌ها را ثبت کرد (آصف‌الدوله، ۱۳۷۷: ۲۴۷، ۱۷۵، ۱۳۰) همچنین امامان جمعه و پیشنمازان مساجد بزرگ را حکومت برمی‌گزید و برای آنان مستمری مقرر می‌کرد (لمبتون، ۱۳۴۳: ۲۶۱؛ فوران، ۱۳۷۷: ۲۰۳). این‌گونه رفتارهای حکومتی نقش مهمی را در اشاعه مراسم‌های آئینی و سوگواری به عهده داشت.

حوزه مقصد و مکان اشاعه و پخش: این مورد از دیگر عوامل و مباحث نظریه پخش است. مقصد اشاعه مراسم‌ها ممکن است کشور اسلامی یا کشورهای خاورمیانه بزرگ و یا سایر مناطق آسیای میانه و آسیای جنوب شرقی و حتی اروپا باشد. طبیعی است که این حوزه‌های پخش گاه دارای محیط پذیرا و گاه ناپذیرا هستند. منظور از محیط پذیرا تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از محیط ناپذیرا، تفاوت‌ها و شکافه‌ای مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی است. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و همگرایی و عوامل ناپذیرا موجب عدم تأثیرپذیری از مراسم‌ها و سنت‌های آیینی و واگرایی از آن می‌شود. مثلاً عراق، بحرین و لبنان، به دلیل برخورداری از بافت مذهبی شیعی، محیطی پذیرای مراسم‌ها و حتی نوآوری‌های حاصل از آن دارند. طبیعی است که ممکن است بر اساس یک شاخص، کشوری به ایران نزدیک و بر اساس شاخص دیگری از ایران دور شود. به‌طور نمونه، افغانستان با توجه به اینکه پنجاه‌درصد از مردم آن به زبان فارسی صحبت می‌کنند، از حیث معیار زبانی، محیط پذیرا محسوب می‌شود، اما از حیث مذهبی با توجه به اینکه درصد زیادی از جمعیت آن اهل سنت هستند محیطی ناپذیر است. ازنظر تجاری هرات افغانستان که یکی از مناطق خراسان بود بر سر راه‌های شرق و غرب و شمال و جنوب این منطقه قرار داشته و از دوران باستان محل عبور کاروان‌های بازرگانی و نظامی و فرهنگی بوده است که با گذشت زمان و تغییر راه‌های تجاری از اهمیت این شهر کاسته شد (طاهرنیا، ۱۳۷۶: ۴۸). همان‌گونه که برخی از جوامع مذکور دارای شکاف زبانی با ایران هستند، پاکستان دارای مشترکات فراوانی با ایران ازجمله زبان است. چون زبان ابزار مهمی در مبادلات و پخش فرهنگی است و زبان‌های فارسی و اردو مشترکات فراوانی دارند و زبان اردو از زبان فارسی سرچشمه می‌گیرد به همین دلیل، مراسم‌ها تأثیرات زود هنگامی بر پاکستان و متقابلاً از پاکستان داشته است بنابراین زمینه‌های مساعد و نامساعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در هر یک از کشورهای مقصد می‌تواند به‌طور مستقل مورد بررسی قرار گیرد. چنانکه گفته شد مذهب بودن، هم عامل اشاعه دهنده و هم عامل شتاب‌دهنده پخش ایده‌هاست. درواقع یکی از کارکردهای مذهب آن است که سرعت اشاعه رفتارها را در بین هم‌مذهبیان افزایش می‌دهد. برعکس اختلاف مذهب می‌تواند به‌جای عامل، مانع جدی پخش گردد. درواقع اگر مشهد را به‌عنوان مرکز پخش در منطقه در نظرگیریم و مکان‌ها و مقاصد پخش را کشورهای عربی تصور کنیم در این صورت امواج پخش وارد محیطی می‌شود که گاهی محیط ناپذیراست. این محیط ناپذیرا یا گاهی بر اساس عناصر روان‌شناسی سیاسی تفسیرپذیر است. شکاف عربی-عجمی

یا عربی-ایرانی، شکاف سنی-شیعی و شکاف زبان فارسی-عربی برخی از موانع پخش امواج مراسم‌ها است. بنابراین امواج این مراسم‌ها در بسیاری از موارد به موانع عربی گرایی، سنت‌گرایی یا زبان عربی گری برخورد می‌کرد و تنها امواج اندکی از آن از این سدها عبور می‌کرد و منشأ تأثیر می‌گشت.

از حیث بعد مسافت نیز هر چه فاصله کشورهای مقصد از ایران به‌عنوان مرکز پخش بیشتر باشد، به همان اندازه از میزان پذیرش نوآوری فرهنگی آن کاسته می‌شود. پذیرش ابداعات به‌طور عمیق و وسیع‌تر در نزدیک‌ترین نقطه به مبدأ صورت می‌گیرد و با دور شدن از آن کاهش می‌یابد. کشور عراق به دلیل اثر همسایگی و زمینه‌های مساعد دیگر بیشترین حجم تأثیرپذیری را داراست. می‌توان گفت که هرچه از زمان وقوع حادثه اولیه‌ای که منجر به برگزاری مراسمی شده، بگذرد از میزان پذیرش تأثیرات آن کاسته می‌شود. بنابراین بررسی مراسم‌های آیینی و سوگواری بر ایران، خراسان و مشهد در زمان‌های متفاوت، شرایط متغیر منطقه و آن محل تأثیرگذار یا تأثیرپذیر، دچار قبض و بسط می‌شود. علاوه بر این زمان‌های خاص مانند بین فصول و ایام زواري با تعداد درخواست‌ها و پرداخت‌های آستان قدس رضوی در مشهد ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، به‌نوعی که در ماه‌ها و روزهای دارای مناسبت‌های مذهبی چون محرم و صفر، ذی‌القعده و ذی‌الحجه که زائران بیشتری در مشهد حضورداشته‌اند، تعداد درخواست‌ها و پرداخت‌ها نیز به همان نسبت بیشتر بوده است (امیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۵). درواقع موضوع اشاعه مراسم‌های آیینی شامل طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات است: مانند لباس و پوشاک اسلامی و متناسب با فرهنگ بومی، حضور بیشتر تجار و سیاحان و زائران در خراسان و مشهد، حرکات سیاسی در این ایالت، حرکات فیزیولوژی خاص، احترام به شعائر مذهبی، شاید ابزارآلات یا فرهنگ یا رفتاری خاص در صورتی می‌تواند موضوع پخش قرار گیرد که این الگو در سایر شهرهای ایران، حتی کشورها بومی‌شده و با نیازها و مقتضیات خاص آن متناسب گردد.

با توجه به کارکرد مراسم‌های آئینی و سوگواری مهم‌ترین کاری که انجام گرفت فراهم‌سازی روند همبستگی سیاسی یا ملی بود. اما این مراسم‌ها به دلیل بافت سنی مذهب برخی از مناطق خراسان دوره قاجار، همسان با مشهد جلوه‌گر نشد.

مسیرها، مجاری و ابزارهای اشاعه: چنان‌که در نظریه پخش و اشاعه گفته می‌شود، حداقلی از افراد لازم است که رفتاری را انجام دهند تا پس‌ازآن، جریان اشاعه خودبه‌خود مانند یک توده برفی که به ((بهمن)) تبدیل می‌شود، ادامه یابد و نهادها و مجاری دیگر نیز لازم است که کار پخش را انجام دهند؛ بنابراین ابزارها، افراد و نهادهایی به‌طور طبیعی یا ارادی در این رابطه عامل تسری و شیوع اندیشه واقع‌شده‌اند. نهادهایی نظیر سفارتخانه تا، کاروانسراها، مهاجرین، بازارها، محله تا، آستان قدس رضوی، وزارت بازرگانی و به‌طورکلی نهادهای فرهنگی و حتی اقتصادی در سراسر خراسان می‌توانند تسهیلاتی را برای این پخش فراهم کنند. ابزارها، جشن تا، مراسم حج و سفر عتبات عالیات نیز دارای چنین کارکردی بوده‌اند. همچنین مسافران امکان انتقال پیام تا را فراهم می‌کند. در این میان افزایش تقاضا به دلیل ترانزیت بودن ایالت خراسان و شهر مشهد برای نیروی کار پیامدهای گسترده‌ای داشت (شیندلر، ۱۳۵۶: ۲۰۴، ۱۹۶؛ کرزن، ۱۳۴۷: ۱/۱۴۷؛ امین‌الضرب، ۱۳۹۰: ۱۹۴، ۱۸۸). شرایط و رونق روزافزون اقتصاد خراسان به‌ویژه تا وقوع انقلاب مشروطه، موجب جذب هزاران خانوار از سایر ایالات و حتی کشورهای هم‌جوار گردید که غالباً در شهرهای تجاری این ایالت سکونت می‌گزیدند. این مهاجران عمدتاً از طبقات فقیر بودند که در تجارت، خدمات و خاصه در بخش کشاورزی اشتغال می‌یافتند. (رزم‌آرا، ۱۳۲۹: ۵۶۹، ۵۵۳) ازجمله این مهاجران، سیستانی‌هایی بودند که در حاشیه شهر مشهد و برخی از نقاط روستایی تازه‌آباد خراسان خاصه در ولایت سرخس سکونت یافتند (ناظم الاسلام کرمانی،۱۳۷۶: ۲/۳۳۴). به‌طورکلی مهاجران داخلی کشور در خراسان افزون بر سیستانی تا، هزاران خانوار از ایالات آذربایجان، کرمان و یزد و حتی از نقاط دوردستی همچون کرمانشاه و خارجی سوای ارمنیان تبعه روس، غالباً از شیعیان منطقه قفقاز روسیه و افغانستان به‌ویژه از دو ولایت هرات و قندهار بودند. مهاجران خارجی، جز بازرگانان، عمدتاً ساکن مشهد بودند، ولی در بیشتر نواحی خراسان به‌ویژه در شهرهای تجاری سبزوار، تربت‌حیدریه، بیرجند و نیز در ولایت رو به رونق سرخس هم سکونت یافته بودند (حبل‌المتین، س۱۴، ش۳۴، ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ۱۴) تعداد

مهاجران مقیم مشهد به حدی بود که به باور عموم از تعداد بومیان این شهر افزون‌شده بود (حبل‌المتین، س۱۲، ش۳۸، ۲۲، ربیع‌الثانی ۱۳۲۳: ۲۱). دراین‌باره از قول ج. تامپسون نماینده تجاری انگلیس در کتاب تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران می‌نویسد: «در مواقع صلح به مشهد، همه‌روزه کاروان‌هایی از بخارا و بلخ و بدخشان و قندهار و هند وارد می‌شدند و بیش از نود کاروانسرا در مشهد وجود داشت و بازارهای آن بسیار غنی و دلباز بودند» (گابریل، ۱۳۴۸: ۱۷۸).

نباید ازنظر دور داشت که یکی دیگر از مهم‌ترین پیامدهای جنگ‌های هرات مهاجرت تعداد کثیری از اهالی شهر هرات و قبایل کوچ‌نشین آن ولایت به خراسان و تبعات درازمدت آن بود. کوچ بخشی از قبایل تیموری، هزاره و جمشیدی به ناحیه مشهد و یا ولایات پیرامون آن، مشکلاتی را در آینده برای ساکنان خراسان داشت (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۲) از سوی دیگر، اسکان قبایل مهاجر و مناسبات ایشان با بومیان مشکلات خود را به همراه می‌آورد. لرد کرزن می‌نویسد: «در شهر مشهد مخصوصاً در این خیابان، غالب نژادهای آسیایی مانند افغانی، سنی، شیعه، هندو، ازبک، ترکمن، بلوچ، عرب، قفقازی، ترکستانی، بربری، درویش، سید، ملا، تاجر، میرزا در رفت‌وآمد هستند» (کرزن، ۱۳۴۷: ۳۵). درواقع سیل عظیم نژادهای گوناگون و اقشار مختلف علاوه بر این‌که زیبایی این خیابان را برای ما قابل‌تصور می‌کند و از ورود فرهنگ‌ها و ادیان مختلف برای ما پیغام می‌آورد. در میان محله‌های اصلی شهر مشهد محله‌های کوچک هم وجود داشته ازجمله محله غرشمارها یا کوچه سیاهان، محله کشمیری‌ها، محله مرورها و ... که بیانگر حضور مهاجرین فراوان و مهاجرت در این شهر بوده است (سیدی، ۱۳۷۸: ۳۹۰). درواقع ورود این مهاجران و نژادهای متنوع در مشهد تبعات خود را در ابعاد مختلف ازجمله موضوع موردنظر در این پژوهش برجای گذاشت. علاوه بر این تأسیس دو کنسولگری روس و بریتانیا برشمار تجار خارجی، به‌ویژه بازرگانان ارمنی روس به بازار خراسان افزود. برای نمونه حکیم الممالک برای نخستین بار در ۱۲۸۴ق از حضور تجار ارمنی در سبزوار خبر داده است (حکیم‌الممالک، ۱۳۵۶: ۱۲۷).

به‌طورکلی گسترش تنوع شبکه‌های ارتباطی، رسانه‌ای و خبری و رشد شتابان آن‌ها و سرعت بی‌نظیر حوزه اطلاع‌رسانی موجب پخش می‌شد. آنچه در مراسم خراسان اتفاق افتاد همانا تلفیق از تمدن مناطق دیگر، درونی کردن آن‌ها باارزش‌های بومی، محلی و تلفیق سه شکاف ملی، اسلامی و غیربومی بود. از ابزارهای دیگر اشاعه روزنامه و نشریات است. جالب اینجاست که در بین درخواست‌های علماء و روحانیون جهت دریافت کمک مالی از آستانه مقدسه (آستان‌قدس) در ماه شوال ۱۳۰۰ق به نام سید حسین مترجم روزنامجات هندوستان برمی‌خوریم. این امر نشان‌دهنده ارسال روزنامه‌های چاپ هند به خراسان و وجود مراودات فرهنگی بین این دو کشور حتی پیش از عصر مشروطیت است (ساکماق: ۲۳۸۴۳؛ امیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۱). همچنین انعکاس اخبار خراسان در روزنامه اختر که منادی افکار جدید بود و نیز حضور نماینده آن، حکایت از استقبال از اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی این روزنامه در خراسان داشت. اما این امر واکنش دولت مرکزی را مبنی بر منع ورود این روزنامه به خراسان در پی‌آورد (آصف‌الدوله، ۱۳۷۷: ۱۵۶) علاوه بر این تأسیس کنسولگری‌های روس و انگلیس (۱۳۰۶ق) که بی‌تردید با ورود اندیشه‌های جدید همراه بود باوجود ممانعت دولت، موجب آگاهی از افکار و مفاهیم نوین شد. افزون بر این گسترش مراودات روزافزون اهالی خراسان با روسیه و استانبول و بعضاً اروپا، از طریق راه‌آهن موسوم به خط آهن ماوراء الخزر روزنه‌ای دیگر برای آگاهی ساکنان این بخش از ایران با فرهنگ دیگر مناطق بود (کرزن، ۱۳۴۷: ۱۴۵/۱).

در این راستا، ابزار دیگر بازار و تجارت به‌عنوان مسیر و مجرای اشاعه است، زیرا بسیاری از فروشندگان، خریداران، بازرگانان و تجار در حین ارتباط و مراودات اقتصادی در بازار مشهد و مکان‌های منتسب به آن مانند حمام، قهوه‌خانه، محل تناول غذا، با بسیاری از آداب و رسوم مکان‌های مبدأ آشنا می‌شدند. مرکزیت مشهد به‌عنوان تختگاه خراسان پس از کاهش رونق شهر هرات و مذهبی بودن این شهر باعث گردید که بازارهای مشهد جهان نمای زنده‌ای از ملل مختلف شرقی گردد (کرزن، ۱۳۴۷: ۱۴۵/۱) علاوه بر این شهرت بازرگانان مقیم مشهد که منتسب به شهر مولدشان بوده

است، نیز حاکی از مهاجرت آن‌ها از سراسر کشور، قفقاز، افغانستان و نیز هندوستان به مشهد است (امین‌الضرب،۱۳۹۰: ۱٦). همچنین حیات اقتصادی و فرهنگی خراسان به‌عنوان پل ارتباطی با ماوراءالنهر و هندوستان از دیرباز وابسته به راه‌های مواصلاتی بوده است که از مسیرهای اشاعه محسوب می‌شده‌اند. از دوره صفویه، رونق زیارت حرم امام رضا(ع) که مستلزم تسهیلات مسیر راه و امنیت برای زوار بود، بر کیفیت این راه تا و نیز میزان تردد در آن‌ها افزود (همان: ۱۷). کیفیت راه‌های دوره قاجاریه نه بر اساس کیفیت سطح جاده، بلکه باید بر اساس وجود آب و کاروانسرا در مسیر راه، مورد ارزیابی قرار گیرد. جاده تا درواقع کوره‌راهی بودند که درنتیجه حرکت کاروان‌ها ایجاد می‌شد (Champain,1883: 480). ملتقای اصلی راه‌های خراسان، مشهد بود که مناسب‌ترین راه مواصلاتی خراسان، آن را از سیر نیشابور -سبزوار- شاهرود به تهران وصل می‌کرد. این راه در سفرنامه‌های اروپاییان و ایرانیان مکرر توصیف‌شده است[۱] افزون بر این مسیر چندراه دیگر نیز ولایات خراسان را به مشهد مرتبط می‌ساخت (رزم‌آرا، ۱۳۲۹: ۹۴۲؛ روزنامه مسافرت هرات، ۱۳۵٦: ۳۲-۲۴). درواقع کاروانسراها محل، مسیر و حتی ابزار خوبی برای تبادل افکار و فرهنگ‌ها نیز به شمار می‌آمد. اعتمادالسلطنه تعداد کاروانسراهای مشهد را بیست و پنج (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۲۹)، بارنز، این تعداد را بیست و یک (بارنز، ۱۳٦٦: ٦۱) خانیکوف که حدود ۲۵ سال پس از بارنز به مشهد آمده تعداد آن را شانزده (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۴۵) و شیندلر که حدود بیست سال پس از خانیکوف از مشهد دیدن کرده تعداد آن را پانزده باب می‌داند (شیندلر،۱۳۵٦: ۲۰۲). ازآنجایی‌که در کاروانسراها، هم مبادلات کوچک تجار صورت می‌گرفت و هم محلی برای مبادله فرهنگی بود، به‌واسطه آن‌ها، رشد فرهنگی و اقتصادی قابل‌ملاحظه‌ای پیدا شد. کاروانسراها محل وجود کالاهای مختلف، افراد گوناگون با پیشه‌های متفاوت، کیش‌های متنوع و زبان‌ها و لهجه‌های مختلف بودند و تعدد کاروانسراهای یک شهر به رونق تجارت و اهمیت آن بستگی کامل داشت.

نتیجه‌گیری

باورهای دینی و مذهبی به تأسی از تمایلات و اعتقادات گروهی و جمعی رشد یافته و تقویت‌شده و در قالب مراسم آئینی و سوگواری در ساختار اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و عقیدتی جامعه ظهور و تداوم می‌یابد. بی‌تردید روند تداوم و تحول این آئین در طول تاریخ ایران به‌ویژه در دوره قاجار در شهر مشهد به بررسی‌های بیشتر نیاز دارد، اما آنچه مشخص است چگونگی برگزاری مراسم آیینی و سوگواری در ایالت خراسان و به‌ویژه شهر مشهد به خاطر موقعیت خاص جغرافیایی-تاریخی خود تأثیر مستقیم بر نحوهٔ برگزاری آن در سایر شهرهای ایران داشته است. درواقع فرآیند تأثیرگذاری نظریه اشاعه که از خلال هم‌جواری، انتقال یا حرکت صورت می‌پذیرد، از طریق فرآیندهای مختلفی بر تحول مراسم‌های آیینی عصر قاجار تأثیرگذارنده و به‌نوبه خود موجب برخورد فرهنگ‌های متفاوت شده‌اند. سفر هزاران زائر و مسافر در دوره قاجار به مشهد در طی سال و حضور قومیت‌های مختلف و ایلات کوچ‌نشین، تیره‌ها و لهجه‌های گوناگون در خراسان و مشهد که در قالب پخش جابجایی مطرح گردیده، مراسم‌های آیینی و سوگواری را تحت شعاع قرار داده و موجب و تحول آن شد. در کنار این موضوع نباید از نقش پیشاهنگی شهر مشهد به دلیل موقعیت ممتاز آن در پخش سلسله‌مراتبی فراموش کرد. از منظر پخش سرایتی نیز باید گفته شود به دلیل شباهت و تجانس فرهنگی، مذهبی و قومی بین کشورهای ایران، عراق و افغانستان و ویژگی بافت موزاییکی منطقه‌ای خراسان، بستر لازم برای ایجاد تحول در مراسم‌های آیینی و سوگواری در این دوره فراهم گردید. درواقع بر اساس آنچه گفته شد، بسیاری از تحولات در مراسم‌ها آیینی و سوگواری تا دوره قاجار از محیط فرهنگی بیرونی تأثیر پذیرفته که به‌نوعی از خلال هم‌جواری یا انتقال و حرکت پدیده‌های فرهنگی مبدأ را به محیط فرهنگی مقصد رسانده است. به‌طورکلی با توجه به نظریه پخش نه‌تنها

۱. توسط فریزر، خانیکوف، نویسنده روزنامه مسافرت هرات، اعتمادالسلطنه و کرزن.

می‌توان تداوم و تحول مراسم‌های آیینی و سوگواری را در مشهد و خراسان دوره قاجار به‌خوبی تفسیر نمود، بلکه این امکان را به دست می‌دهد تا مردم بتوانند رفتارها و مراسم‌ها یا حرکاتی متناسب با ذائقه نسل‌های خودشان را فراهم کنند و عطش دل‌زدگی از امور تکراری و یکنواخت و استقبال از تنوع و نوآوری را سیراب کنند. همچنین فراتر از آن تولید و ارائه مدل‌های جدید از نوع مراسم‌هایی با مدل اسلامی آن را به‌عنوان آدابی پذیرا و خوشایند برای جامعه نمودار می‌سازد.

فهرست منابع

۱. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). ***ایران بین دو انقلاب***. ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

۲. آصف‌الدوله، میرزا عبدالوهاب. (۱۳۷۷). ***اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله (گزیده اسناد خراسان)***. به کوشش عبدالحسین نوایی و نیلوفر کسری. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۳. آقاجانی، علی. (۱۳۸۴). «تحریفات و عوامل آن». ***پگاه حوزه***. (شماره ۸)، ۸۹-۱۰۲.

٤. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۹۷۱). ***العبر***. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۵. ابن‌اثیر، عزالدین ابی حسن. (۱٤۰۷). ***الکامل فی التاریخ***. بیروت: دار صادر و دار بیروت.

٦. اسپناقچی‌پاشازاده، محمد عارف. (۱۳۷۹). ***انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام***. به‌کوشش رسول جعفریان. تهران: دلیل.

۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳٦۲). ***مطلع الشمس***. ج۲. تهران: گلشن.

۸. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۸۵). ***روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه***. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

۹. امین، سید محسن. (۱۳۷۱). ***عزاداری‌های نامشروع***. ترجمه جلال آل‌احمد. بوشهر: شروه.

۱۰. امین‌الضرب، محمدحسن. (۱۳۹۰). ***خراسان در اسناد امین الضرب (سال‌های ۱۲۸۲-۱۳۵۱ق)***. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: ثریا.

۱۱. امیرزاده، حسن. (۱۳۹۱). «اسنادی از کمک‌های مالی به زائران مسلمان شبه‌قاره هند در مشهد در دوران قاجار». ***نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌های آستان قدس رضوی***. (شماره ۱٦)، ۱۵-۱.

۱۲. افشاری، مهران، و مهدی مداینی. (۱۳۸۱). ***چهارده رساله در باب فتوت و اصناف***. تهران: چشمه.

۱۳. بارنز، آلکس. (۱۳٦٦). ***سفرنامه بارنز***. ترجمه حسن سلطانی فر. مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۴. بهار، محمدتقی. (۱۳٦۳). ***آیین جوانمردی***. ترجمه احسان نراقی. تهران: نو.

۱۵. بنجامین، س. ج. و. (۱۳٦۳). ***ایران و ایرانیان***. ترجمه محمدحسین کرد بچه. تهران: جاویدان.

۱٦. توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۰). ***جامعه‌شناسی دینی***. تهران: سخن.

۱۷. پانوف، میشل و میشل بدن. (۱۳٦۸). ***فرهنگ مردم‌شناسی***. ترجمه اصغر عسکری خانقاه. تهران: ویس.

۱۸. پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۵۲). ***ایران و ایرانیان***. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.

۱۹. جامی، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). ***نفحات الانس من حضرات القدس***. تهران: اطلاعات.

۲۰. جردن، تری جی و لستر، راونتری. (۱۳۸۰). ***مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی***. ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.

۲۱. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹٤). ***آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر***. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۲. حکیم الممالک، علینقی. (۱۳۵٦). ***روزنامه سفر خراسان***. تهران: فرهنگ ایران‌زمین.

۲۳. حیدری، ابراهیم. (۱۳۸۱). ***تراژدی کربلا مطالعه جامعه‌شناختی گفتمان شیعه***. ترجمه علی معموری. قم: دارالکتاب الاسلامی.

۲۴. حیدری، حسین. (۱۳۹۴) «تحلیل اجتماعی دینی آنوسیان ایران دوره قاجار بررسی موردی شهر مشهد». ***تاریخ اسلام***. (شماره ۳)، ۲۲۸-۱۹۵.

۲۵. خانیکوف، ن. و. (۱۳۷۵). ***سفرنامه***. ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بیگناه، مشهد: به‌نشر.

۲٦. دانشیار، مرتضی، (۱۳۹۴). «تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خراسان در دوره قاجاریه»، پایان‌نامه مقطع دکتری، تهران: دانشگاه تهران.

۲۷. دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). ***سفرنامه از خراسان تا بختیار***. ترجمه فره‌وشی. تهران: چاپ گیلان.

۲۸. دورکیم، امیل. (۱۳۸۲). ***صور ابتدایی حیات دینی.*** ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۲۹. دوسرسی، کنت لوزان. (۱۳۶۲). ***ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰م.*** ترجمه احسان اشراقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۳۰. درودی، حسین بن عبدالکریم. (۱۳۸۲). ***کتابچه نیشابور.*** به‌کوشش رسول جعفریان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۳۱. ریچاردز، فرد. (۱۳۴۳). ***سفرنامه.*** ترجمه میهن دخت صبا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۲. رضوی، اطهر عباس. (۱۳۷۶). ***شیعه در هند.*** قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۳۳. ریاضی‌هروی، محمد یوسف. (۱۳۷۲). ***عین الوقایع.*** به اهتمام محمد آصف فکرت. تهران: انقلاب اسلامی.

۳۴. روملو، حسن بیگ. (۱۳۶۹). ***احسن التواریخ.*** چاپ عبدالحسین نوایی. تهران: ترجمه و نشر کتاب.

۳۵. رهبری، حسن. (۱۳۸۵). ***(خرافه زدایی از عاشورا) عاشورا عزاداری تحریفات.*** به‌کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم. قم: صحیفه خرد.

۳۶. رزم‌آرا علی، (۱۳۲۹). ***فرهنگ جغرافیایی ایران.*** ج۹. تهران: ملل.

۳۷. زرگری‌نژاد، غلامحسین. (۱۳۷۸). ***تاریخ صدر اسلام.*** تهران: سمت.

۳۸. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). ***دنباله جست‌وجو در تصوف ایران.*** تهران: امیرکبیر.

۳۹. سیدی، مهدی. (۱۳۷۸). ***تاریخ شهر مشهد.*** تهران: جامی.

۴۰. شادان پروند، و زهرا سبحانی. (۱۳۷۳). ***زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه.*** بی‌جا: مرکز تحقیقات فرهنگی بین‌الملل.

۴۱. شکویی، حسین. (۱۳۷۷). ***فلسفه جغرافیا.*** تهران: گیتاشناسی.

۴۲. شیندلر، ا. هوتوم. (۱۳۵۶). ***سه سفرنامه (هرات، مرو، مشهد).*** به‌کوشش قدرت‌الله زعفرانلو. تهران: توس.

۴۳. شهیدی، عنایت‌الله. (۱۳۸۰). ***پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجاریه در تهران.*** تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۴۴. صحتی‌سردرودی، محمد. (۱۳۸۳). ***تحریف شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین(ع).*** تهران: امیرکبیر.

۴۵. کاشفی‌سبزواری، حسین. (۱۳۵۰). ***فتوت نامه سلطانی.*** به‌کوشش محمدجعفر محجوب. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۴۶. کرزن، جرج. ل. (۱۳۴۷). ***ایران و قضیه ایران.*** ترجمه علی جواهرکلام. تهران: ابن‌سینا.

۴۷. گابریل، آلفونس. (۱۳۴۸). ***تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران.*** ترجمه فتحعلی خواجه‌نوری. تهران: ابن‌سینا.

۴۸. گلچین‌معانی، احمد. (۱۳۸۴). «درویش بهرام سقا». ***آیینه میراث.*** (شماره ۳۰)، ۹۶-۹۰.

۴۹. لمبتون، آن. (۱۳۴۳). ***اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه.*** ترجمه منیر برزین. مشهد: حامی.

۵۰. فلاندن، اوژن. (۱۳۲۴). ***سفرنامه.*** ترجمه حسن نور صادقی. اصفهان: نقش‌جهان.

۵۱. فلسفی، نصرالله. (۱۳۵۴). ***زندگانی شاه‌عباس اول.*** تهران: علمی.

۵۲. فرارو، گری پی. (۱۳۷۹). ***انسان‌شناسی فرهنگی، بعد فرهنگی تجارت جهانی.*** ترجمه غلامعلی شاملو. تهران: سمت.

۵۳. فوران، جان. (۱۳۷۷). ***مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران.*** ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.

۵۴. قطبی، بهروز. (۱۳۷۰). ***اسناد جنگ اول جهانی در ایران.*** تهران: قرن.

۵۵. طاهرنیا، بهروز. (۱۳۷۶). ***مشهد از نگاه سیاحان (از ۱۶۰۰ تا ۱۹۱۴ م).*** مشهد: آستان قدس رضوی.

۵۶. عابدینی میر، مهران افشار. (۱۳۷۴). ***آیین قلندری.*** تهران: فراروان.

۵۷. عباسی، سمیه. (۱۳۹۱) «بررسی سیر تطور مراسم سوگواری شیعه در عصر قاجار با تکیه بر سفرنامه های غربی». ***فصلنامه انجمن ایران پژوهان.*** (شماره ۲)، ۱۸۵-۱۶۱.

۵۸. عموقین، یوسف زین‌العابدین. (۱۳۹۲). «نقش فرهنگ در پیوند ژئوکالچر ایران و آسیای مرکزی». ***خراسان بزرگ.*** (شماره ۱۰)، ۷۳-۶۵.

۵۹. ملک پور، جمشید. (۱۳۶۶). ***سیر تحول مضامین در شبیه خوانی (تعزیه).*** تهران: جهاد دانشگاهی.

۶۰. معتمدی، حسین. (۱۳۷۸). ***عزاداری سنتی شیعیان در ایران و جهان.*** ج۱. قم: ظهور.

۶۱. منشی، اسکندربیگ. (۱۳۷۷). ***عالم‌آرای عباسی.*** تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.

۶۲. کرمانی، ناظم الاسلام. (۱۳۷۶). ***تاریخ بیداری ایرانیان.*** تهران: پیکان.

۶۳. نفیسی، سعید. (۱۳۴۶). ***سرچشمه‌های تصوف***. تهران: فروغی.
۶۴. ناطق، هما. (۱۳۵۷). ***عباس میرزا و ترکمانان خراسان***. تهران: آگاه.
۶۵. نجف‌زاده، علی. (۱۳۹۳). «پژوهشی درباره اقوام اقلیت تا و مهاجرین ساکن مشهد». ***مشهد پژوهی***. (شماره ۴)، ۱۴۳-۱۱۵.
٦٦. نوروزی، جمشید، و فاطمه معزی. (١٣٩٦). «موانع و مشکلات حمل جنازه شیعیان هند به مشهد در اواخر دوره قاجار» ***گنجینه اسناد***. (شماره ۲)، ۹۹-۷۰.
۶۷. نوروزی، جمشید، و منیژه ربیعی. (۱۳۹۴). «نقش سادات بیهقی در تاریخ سیاسی کشمیر». ***پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران***. (شماره ۲)، ۱۷۹-۱٦٦.
٦٨. وامبری، آرمینیوس. (١٣٦٧). ***سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه***. ترجمه فتحعلی خواجه‌نوریان. تهران: معین.
٦٩. ویلهلم، ژان پل. (١٣٧٧). ***جامعه‌شناسی ادیان***. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: تبیان.
۷۰. هیوم، دیوید. (١٣٦٠). ***تاریخ طبیعی دین***. ترجمه حمید عنایت. تهران: خوارزمی.
۷۱. همایونی، صادق. (١٣٦٨). ***تعزیه در ایران***. تهران: نوید شیراز.

اسناد

اسناد سازمان کتابخانه تا و موزه تا و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)

۷۲. ١٥٤٠٤/٥. «سنخ شناسی پراکندگی جغرافیایی زوار مشهد در دوره قاجار». ۱۲۹۲ق.۱برگ.
۷۳. ۲۰۷۱. *«سنخ شناسی پراکندگی جغرافیایی زوار مشهد در دوره قاجار». ۱۲۹۰ق. ۲برگ.*
٧٤. ١٧٦٧٦ . *«سنخ شناسی پراکندگی جغرافیایی زوار مشهد در دوره قاجار». ۱۲۵۷ق. ۲برگ.*
۷۵. ۲۳۷۹۱/٦٣ . *«سنخ شناسی پراکندگی جغرافیایی زوار مشهد در دوره قاجار». ۱۳۰۰ق. ۲برگ.*
٧٦. ٢٣٧٩١/٧٥ . *«سنخ شناسی پراکندگی جغرافیایی زوار مشهد در دوره قاجار». ۱۳۰۰ق. ۲برگ.*
۷۷. ۲۲۸۷۱/٤٥ . *«سنخ شناسی پراکندگی جغرافیایی زوار مشهد در دوره قاجار». ۱۳۰۰ق. ۲برگ.*
۷۸. ۲۳۷۹۸/۲۹. «سنخ شناسی پراکندگی جغرافیایی زوار مشهد در دوره قاجار». ۱۳۰۰ق. ۲برگ.
۷۹. ۱۱۷٦٧. «گزارش آمار مدفونین صحن های حرم در دوره قاجار». ۱۲۵۷ق. ۱برگ.
۸۰. ۱۱۷٦۹. «گزارش آمار مدفونین صحن های حرم در دوره قاجار». ۱۲۵۹ق. ۱برگ.
۸۱. ۲۳۳۸۲. «گزارش آمار مدفونین صحن های حرم در دوره قاجار». ۱۲۵۷ق. ۱برگ.
۸۲. ٤٣١٠١. « گزارش پرداخت وجوهات موقوفه های حرم در دوره قاجار». ۱۲۵۷ق. ۱برگ.
۸۳. ۲۸۵۰٦. «گزارش مسئولیت های زوار و خادمین حرم در دوره قاجار». ۱۲۹۹ق. ۱برگ.
٨٤. ١٢٣٤١. «گزارش مسئولیت های زوار و خادمین حرم در دوره قاجار». ۱۲۹۳ق. ۱برگ.
۸۵. ۱۲۵۱۷. «گزارش مسئولیت های زوار و خادمین حرم در دوره قاجار». ۱۲۹۳ق. ۱برگ.

نشریات

٨٦. ***حبل‌المتین***، ش۳۸، (۷ربیع‌الثانی ۱۳۲۳)
۸۷. ***حبل‌المتین***، ش٣٤، (۱۲ربیع‌الاول ۱۳۲۵)
88. Champain, b (1883). "The Trade Routes of Persia". ***journal of the society of arts***. (vol 31), 487-497.
89. Haggett, peter. (1983). ***geography: A modern synthesis***. New York. Harper, Row.